

پافوت تسپید

سپاس‌گزاری در سپهر اندیشگی شرق و غرب

به کوشش محمد جعفر امیرمحلّاتی

ياقوت سپيد

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

یاقوت سپید

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

سیاس‌گزاری
در سپهر اندیشگی شرق و غرب

به کوشش محمد جعفر امیر محلاتی

نگاره

یاقوت سپید سپاس‌گزاری، در سپهر اندیشگی شرق و غرب
به کوشش محمدجعفر امیر محلاتی
ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)
مدیر هنری: باسم الرسام
طراح گرافیک: کوروش شبگرد
خط: المیرا عبدالهیان
لیتوگرافی: نوید
چاپ و صحافی: پیکان
نوبت چاپ: یکم، ۱۴۰۱
شمارگان: ۱۱۰۰
قیمت: ۳۳۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۱۴۱-۷

- سرشناسه : محلاتی، محمدجعفر، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور : یاقوت سپید: سپاس‌گزاری، در سپهر اندیشگی شرق و غرب / به کوشش محمدجعفر امیر محلاتی؛ با مساعدت مرکز پژوهشی مجد شیراز.
مشخصات نشر : تهران : نگاه معاصر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۶۲۸ص: : ۱۴×۵/۲۱/۵س.م.
فروست : ساحت صلح
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۱۴۱-۷ ریال ۱۲۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی : قیبا
یادداشت : ص.ع. به انگلیسی:
Mohmmad Jafar Amir Mahallati. The white ruby gratitude in the ...
یادداشت : کتابنامه: ص. ۵۸۱ - ۶۲۷.
عنوان دیگر : سپاس‌گزاری، در سپهر اندیشگی شرق و غرب.
موضوع : قدرشناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
Gratitude -- *Addresses, essays, lectures
قدرشناسی -- جنبه‌های مذهبی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
Gratitude -- Religious aspects -- *Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده : مرکز پژوهشی مجد شیراز
رده بندی کنگره : BL۶۵
رده بندی دیویی : ۲۹۱/۵۶۹۹
شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۷۳۶۰۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی : قیبا

نشانی: تهران | مینی‌سیتی | شهرک محلاتی | فاز ۲ مخابرات | بلوک ۳۸ | واحد ۲ شرقی



۲۲۴۴۸۴۱۹



negahe.moaser94@gmail.com



nasher_negahemoaser



مرکز پژوهشی
مجد

این کتاب با مساعدت مرکز پژوهشی مجد شیراز تهیه گردیده است

فهرست

درآمد: در نسبتِ شکر و صلح ۱۰
محمدجعفر امیر محلاتی

تقدیم‌نامه ۱۷

سیاس‌نامه ۱۹

پیش‌گفتار: سیاس‌گزاری: جاودان‌خرد اندیشه‌های اخلاقی ۲۱
محمدجعفر امیر محلاتی

بخش اول: صورت‌بندی فلسفی و مفهومی اندیشه‌های سیاس‌گزاری

۱. ساحت‌های معناییِ قدردانی و شکر ۵۳
تونی مالنا: ترجمه: سیدبهرروز بهزادی

۲. سیاس‌گزاری، در تاریخ اندیشه‌های فلسفی ۱۰۸
ادوارد ج. هارفام: ترجمه: محمدهادی طلعتی

بخش دوم: سیاس‌گزاری، در فرهنگ‌های باستانی

۳. شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی «قدردانی»، در خاور دور ۱۳۷

الف: مطالعه‌ی موردی «شرق آسیا» ۱۳۷
تاکاشی نایتو و ناتوکو واشیزو: ترجمه: سیدبهرروز بهزادی

ب: مطالعه‌ی موردی «فرهنگ شکرگزاری در چین» ۱۵۰
دانش‌گاه ماکائو: ترجمه: سیدبهرروز بهزادی

ج: ارزش شکرگزاری، در فرهنگ کنفوسیوسی، براساس کلان‌داده‌ها ۱۵۳
شیانولینگ لیو: ترجمه: سیدبهرروز بهزادی

- ۴- سپاس‌گزاری، در اندیشه‌ی کنفوسیوسی..... ۱۶۳
 عبدالحسین نوشین
- ۵- سپاس‌گزاری، در آیین هندو..... ۱۷۹
 محمدجواد قائدشرف
- ۶- سپاس‌گزاری، در آیین بودایی..... ۲۰۱
 محمدجواد قائدشرف
- ۷- سپاس‌گزاری، در آیین زرتشت..... ۲۳۳
 جمشید چوکسی؛ ترجمه: محمدهادی طلعتی
- بخش سوم: سپاس‌گزاری، در فرهنگ‌های ابراهیمی**
- ۸- سپاس‌گزاری، در فرهنگ یهودی..... ۲۴۳
 سالامون شیمل؛ ترجمه: محمدهادی طلعتی
- ۹- سپاس‌گزاری، در دو نظریه‌ی مسیحی..... ۲۷۵
 ای. د. م. واکر، ترجمه: سیدپهروز بهزادی
- ۱۰- سپاس‌گزاری و گستره‌ی معنایی آن در قرآن کریم..... ۳۰۱
 محمدهادی طلعتی
- ۱۱- یاقوت سپید: جستاری در احادیث شکر..... ۳۳۱
 مرتضی رحیمی‌نژاد
- ۱۲- شکر، در صحیفه‌ی سجّادیه..... ۳۶۱
 عبدالرسول هادیان شیرازی
- ۱۳- شکر و شکیبایی شاکران..... ۳۹۱
 محمد برکت

۱۴- شکرِ شکوه‌مند..... ۴۰۵

سیدشهاب‌الدین مصباحی

۱۵- شکر، در ادبِ فارسی..... ۴۳۵

مظفرِ حسن‌وند

بخشِ چهارم: سپاس‌گزاری، از منظرِ علومِ تربیتی و اجتماعی

۱۶- نقدی بر افیون‌پنداریِ دین از نگاهِ مارکس، بر مبنای شکرِ قرآنی..... ۴۵۱

بابکِ شمشیری

۱۷- رشد و پرورشِ فضیلتِ شکرگزاری..... ۴۷۱

الیسا مِرسان و ارگاس، کنلین پولکر، جاناتان توج؛ ترجمه: سیدبهرروز بهزادی

۱۸- شکرگزاری: ملاحظاتِ از منظرِ اخلاقی..... ۴۹۱

چارلز. م. شلتون؛ ترجمه: علی‌نقی سلطانی

۱۹- یافته‌های علمی در باره‌ی ۲۸ مزیتِ شکرگزاری..... ۵۲۱

کورتی ای. اکرمَن؛ ترجمه: سیدبهرروز بهزادی

۲۰- شکرگزاری و سلامت..... ۵۵۱

کُری دی میلر؛ ترجمه: سیدبهرروز بهزادی

ضمیمه: قطع‌نامه‌ی روزِ سپاس، برای تصویب در شورای شهرِ شیراز..... ۵۷۱

شرح‌حالِ نویسندگان و مترجمان..... ۵۷۵

منابع..... ۵۸۳

نمایه..... ۶۳۱

درآمد: در نسبتِ شکر و صلح

نفس می‌نیارم زد از شکرِ دوست

که شُکری ندانم که در خورد اوست

عطایی ست هر موی از او بر تن ام

چگونه به هر موی شُکری کنم؟

سعدی شیرازی

سپاس‌گزاری، یک روی‌گرد به زندگی است که می‌توان آن را برگزید. سپاس‌گزاری، یک شیوه‌ی بودن و زیستن در جهان است که متکی بر شرایط بیرونی زندگی، مانند ثروت، سلامتی یا زیبایی نیست. حتی در شرایط سخت و دردناک هم، می‌توان تصویر بزرگ‌تری از زندگی را پیش چشم آورد؛ و سپاس‌گزار بود.

حسینِ حسینی^۱

یکی از عوامل توفیق در هر سه حوزه‌ی اخلاقِ صلح‌پژوهی، اعم از اخلاق در جنگ، اخلاقِ بخشایش و اخلاقِ دوستی، الیهیاتِ سپاس‌گزاری است. سپاس‌گزاری در هر گام کوچکی که طرفینِ محاصمه در مسیرِ حلّ و فصلِ اختلافاتِ بردارند، در هر عذرخواهی و اِعمالِ بخشایشی که در نفرت‌زدایی از طرفینِ جنگِ سرد صورت گیرد، و در هر اقدامِ دوستانه‌ای که برای پیوندِ سازنده بین انسان‌ها یا جوامع صورت گیرد، آثارِ مبارکِ سلسله‌واری دارد. برعکس، ناسپاسی از تلاش‌های صلح‌آمیز، تشدیدکننده‌ی ادامه‌ی قهر و نفرت و انقطاعِ دوستی و انزوا است.

سپاس‌گزاری و صفتِ شاکری، هم صلح‌ساز و هم موجبِ پابندگیِ صلح می‌شود؛ و از این جهت، نقش بسیار برجسته‌ای در سامان‌دهیِ روابطِ انسانی دارد. این امر، هم در ساحتِ عمودیِ روابطِ انسان و خداوند، و هم در ساحتِ افقیِ روابطِ انسان با انسان، مصداق دارد. هم در الیهیاتِ قرآنی، ناسپاسی، معادلِ بدترین صفتِ شیطانی، و درست نقطه‌ی مقابلِ ایمان تعریف شده، و مترادفِ کفر، بل که معنای بارز کفر است؛ و هم در روابطِ انسانی، موجبِ قطعِ عُلقه و پیوند شده، و تقابل و منازعه را تمهید می‌کند. از این رو، صلح‌پژوهی، بدونِ شکرپژوهی، ناقص و ناتمام می‌ماند.

در اندیشه‌های معاصرِ غربی، گه‌گاه، عطفِ توجّه به اهمّیت و ارزش وجودی «انسانِ دیگر» را، نقطه‌ی شروعِ اخلاق تعریف می‌کنند. در منابعِ اسلامی، راغبِ اصفهانی، اصولاً اخلاق‌ورزی را در انزوا و بدونِ رابطه با «دیگری»، ممتنع می‌داند. اگر این تعریف را بپذیریم، شاید نیاز به استدلالِ گسترده‌ای نباشد که رابطه با دیگری، از قدرشناسی و شاکری شروع می‌شود.

نگاه فوق، محققان و استادانِ مرکز پژوهشیِ مجد را متقاعد ساخت که سلسله‌انتشاراتِ این مرکز در الیهیاتِ صلح، اعم از دوستی‌پژوهی، بخشایش‌پژوهی و اخلاق در جنگ، بدونِ برخورداری از مطالعاتِ جدّی، تطبیقی و بین‌رشته‌ایِ شکرپژوهی، ناقص می‌ماند. نتیجه‌ی این اندیشه، به صورتِ نخستین کارِ دانش‌گاهی، بین‌رشته‌ای، بین‌فرهنگی و بین‌المللی، با مشارکتِ بیش از ۲۰ نویسنده و مترجم، پیش‌روی خوانندگانِ ارج‌مند است. همانندِ همه‌ی کارهای دیگرِ انتشاراتِ مرکز پژوهشیِ مجد، اثرِ حاضر، از سلسله‌مقالاتِ سفارشی، شاملِ

ترجمه و تألیف، تشکیل شده؛ و تلاش مُجدّانه‌ای به‌عمل آمده که هیچ‌یک از فرهنگ‌های عمده‌ی جهانی، از نگاه تطبیقی این اثر، بیرون نماند. این تلاش، طبعاً به حجیم‌شدنِ اثرِ حاضر انجامید؛ اما درمقابل، آن را به‌صورتِ کتابی مرجع برای سُکرپژوهیِ آکادمیک سامان داد؛ که هم‌جوارِ کتابِ «دوستی، در سیهرِ اندیشگیِ شرق و غرب»، بتواند صلح‌پژوهان را در تحقیقاتِ اخلاقی نظری و کاربردی صلح، کمک کند.

کتابِ حاضر، در چهار بخش، تقدیم خوانندگان می‌شود.

در مقاله‌ی پیش‌گفتار، نگارنده، سعی کرده دورنمایی از منظرِ کلانِ سپاس‌گزاری در فرهنگ‌های جهانی را، به‌مثابه‌ی جاودان‌خزد، ترسیم کرده؛ و آن را، در تعامل با اندیشه‌های صلح‌گستری، موردِ توجّه قرار دهد.

بخشِ نخست، در دو مقاله، به صورت‌بندیِ فلسفی و مفهومیِ اندیشه‌های سپاس‌گزاری می‌پردازد.

مقاله‌ی نخستِ بخشِ اول، ترجمه‌ای از مقاله‌ای از دایرة‌المعارفِ استنفورد، نوشته‌ی تونی مالنا، با ترجمه‌ی سیدبهرروز بهزادی است؛ که تعریف‌ها و معادله‌های رایجِ سُکر را، به‌دست می‌دهد.

مقاله‌ی دوم، به‌قلمِ ادوارد هارفام و ترجمه‌ی محمدهادی طلعتی، سپاس‌گزاری را در تاریخِ اندیشه‌های فلسفی، به‌طورِ روش‌مند، موردِ بحث قرار می‌دهد.

بخشِ دومِ کتاب، در پنج مقاله، به اندیشه‌های سپاس‌گزاری در فرهنگ‌های باستانی اختصاص دارد.

در مقاله‌ی اولِ این بخش، تاکاشی نایتو و نائوکو واشیزو، دو محققِ ژاپنی؛ و محققانِ دانش‌گاهِ ماکائو؛ و سپس، شیائولینگ لیو از چین، با ترجمه‌ی سیدبهرروز بهزادی، به شباهت‌ها و تفاوت‌های نحوه‌ی سپاس‌گزاری در فرهنگ‌های آسیایی می‌پردازند.

در مقاله‌ی دوم، عبدالحسینِ نوشین، سپاس‌گزاری را در اندیشه‌ی کنفوسیوس مورد مطالعه قرار می‌دهد.

دو مقاله‌ی بعدی، به‌قلم محمدجوادِ قائدشرف، به توضیح سپاس‌گزاری در هیئت اخلاقی اندیشه‌های هندو و بودایی می‌پردازد.

در خاتمه‌ی این بخش، جمشید چوکسی، به شکر در آیین زرتشت و ایران باستان پرداخته؛ گزاره‌های اخلاقی مهمی را بازشکافته است.

بخش سوم، تحت عنوان سپاس‌گزاری در فرهنگ‌های ابراهیمی، شامل هشت مقاله است. در مقاله‌ی اول، به‌قلم سالامون شیمیل، و به‌ترجمه‌ی محمدهادی طلعتی، معادله‌های اخلاقی سپاس‌گزاری در آیین یهودی، مورد تحلیل قرار گرفته است.

در مقاله‌ی دوم، به‌قلم د. واکر و ترجمه‌ی سیدبهرروز بهزادی، الاهیات شکر از منظر مسیحیت، در دو دیدگاه متفاوت، مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله‌ی سوم این بخش، مقاله‌ی تألیفی محمدهادی طلعتی، سپاس‌گزاری در حکمت قرآنی، مورد بحث قرار گرفته است.

مقاله‌ی چهارم به‌قلم مرتضی رحیمی نژاد، به جستاری پیرامون شکر در احادیث اختصاص دارد. مقاله‌ی پنجم به‌قلم عبدالرسول هادیان شیرازی، به شکر از منظر صحیفه‌ی سجادیه اختصاص یافته است.

مقاله‌ی ششم این بخش، تحت عنوان شکر و شکیبایی شاکران، مقاله‌ای از یک متن قدمایی و عرفانی تاریخی، با تصحیح محمد برکت، باب شانزده‌ام از ابواب سی‌ودوگانه‌ی کتاب «انیس العارفین» فخرالدین صفی، دانش مند قرن ۱۰ ق را، ارائه می‌دهد.

مقاله‌ی هفت‌ام این بخش، تحت عنوان شکر شُکوه‌مند، به‌قلم سیدشهاب‌الدین مصباحی، در خوانشی معنوی، به شکر، و برخی وجوه تطبیقی آن، و هم‌چنین، آمیختگی بنیادین «شکر» با مفهوم «خیر»، و جای‌گاه شکر در مطالعات علمی معاصر، می‌پردازد.

آخرین مقاله‌ی این بخش، نوشته‌ی مظفر حَسَن‌وَنَد، سیری است در ادبِ قُدَماییِ فارسی، در جست‌وجوی صورت‌بندی و اخلاق‌شناسی شکر و سپاس، در نظر ادبای طرازاولِ فارسی‌زبان.

بخش چهارم کتاب، طی پنج مقاله، به سپاس‌گزاری از منظر علوم تربیتی و اجتماعی می‌پردازد.

در نخستین مقاله‌ی این بخش، به‌قلم بابک شمشیری، اندیشه‌ی شکر، به‌عنوان محکی در نقد نظریه‌ی مارکسیستی نسبت به الاهیات، به‌کار گرفته شده است.

در مقاله‌ی دوم، تحت‌عنوان «رشد و پرورش فضیلت شکرگزاری/قدردانی: مبانی نظری و مباحث بین‌فرهنگی»، سه نویسنده، ایسا مرسان وارگاس، کتلین پولکرو جاناتان توج، با ترجمه‌ی سیدبهرروز بهزادی، مطالعه‌ی میدانی مهمی پیرامون سازکارهای تربیتی و فرهنگی رشد فضیلت شاکری در کودکان ارائه می‌دهند.

مقاله‌ی سوم، به‌قلم چارلز شلتون، با ترجمه‌ی علی‌نقی سلطانی، شکرگزاری از منظر اخلاقی را، با دیدگاه غربی، مورد مطالعه قرار داده است.

مقاله‌ی بعدی، در مورد ۲۸ مزیت شکرگزاری، به‌قلم کورتی آکرمن و ترجمه‌ی سیدبهرروز بهزادی، نگاهی بین‌رشته‌ای از منظر روان‌شناسی ارائه می‌شود.

مقاله‌ی آخر این بخش، به‌قلم کری میلر، از منظر سلامت روان، به شکرپیژوهی می‌پردازد.

پایان‌بخش این کتاب، ضمیمه‌ای شامل پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای است که یارانِ مَجَد، در تابستان ۱۳۹۹، به‌منظور فرهنگ‌سازی و نهادسازی شکر و سپاس، به شورای شهر شیراز ارائه دادند. این درخواست، هم‌چنان در انتظار اجابت شهرداران بصیر و جهان‌اندیشی است

که می‌دانند اگر اندیشه‌های اخلاقی نهادسازی نشود، در گوشه‌ی کتاب‌خانه‌ها خاک خواهد خورد. جای تعجب است که در برخی از کشورهای غربی، روز شکرگزاری، به‌عنوان مناسبتی مهم در تقویم فرهنگ ملی، مورد بزرگ‌داشت است؛ ولی در جهان اسلامی و ایرانی - که داعیه و سابقه‌ی اخلاق متعالی دارد هنوز این مهم مورد غفلت است. گویی نمی‌دانیم که شاکری، نه در حاشیه، بل که در متن و کانون معنی ایمان قرار دارد.

در مورد وجه تسمیه‌ی نام کتاب، استاد رحیمی نژاد، در جریان تحقیقاتِ روایی در شکر، به حدیثِ نووی زیبایی برخوردند که بهشت را دارای درگاهی شکر محور ساخته، از «یا قوتِ سپید» دانسته است؛ و حال آن که یا قوت را، در منظر عرفی، انتظارِ سرخی است. این که صفتِ شاکری، راهی است به رضوانِ خدا، و این که انعکاسِ نورِ یا قوتِ سپید در این درگاه، چهره‌ی واردشوندگان را نیز سپید می‌کند، یا به‌کوتاه سخن، «روسپیدی رضوانی شاکران»، بشارتی است کلان، آسمانی و اثیری. کتاب حاضر، از همین بشارت نام برگرفته؛ و به‌همین سودا، فراهم آمده؛ که شاید تذکره‌ای باشد برای کارکردها و اندیشه‌هایی که ما را به آن درگاه نزدیک کند. و چنین باد!

۵ آبان ماه ۱۴۰۰

شیراز

محمدجعفر امیر محلاتی

این اثر، تقدیم به:

همه‌ی کسانی که

تلاش‌شان برای به‌روزی انسان‌ها نامشکور مانده؛

همه‌ی کسانی که

با زیباترکردن جهان و زندگی،

به‌ترین مراتب سپاس‌گزاری از نعمت‌ها را به‌جا آوردند؛

و نسل‌های حال و آینده،

که با هنر سپاس‌گزاری، به صلح و دوستی جوامع جهانی، افزوده و خواهند افزود.

سیاس نامه

این دفتر، علاوه بر پیش گفتار، با بیست مقاله‌ی بین‌الادیانی، بین‌فرهنگی و بین‌رشته‌ای، و یک ضمیمه، به‌عنوان گامی جهت نهادی کردن شکرگزاری، نتیجه‌ی هم‌دلی، تلاش تحقیقی یک‌ساله و افق فراخ‌اندیشگی دانشی مردانی است که هم در نگاه علمی و هم در سلوک شخصی، سیاس‌گزاری را طبق آموزه‌های تمدن ایرانی و اسلامی، در صدر ملکات اخلاقی می‌دانند؛ و از این رو، وقت و توجه ارج‌مندی را، سخاوت‌مندانه صرف آن کردند. زبان نگارنده در سیاس از این تلاش‌های تمدن‌گستر قاصر است. باشد که سعی بلیغ‌شان توسط خداوندگار مشکور شود.

دفتر اول شکرپژوهی که به انجام رسید، جمع نویسندگان مرکز مجد را به‌صراحت آورد که این، هنوز گامی ناچیز در دشت و باغ فراخ‌شاکری است. طرح نظریات جهانی و ماتریس‌های اخلاقی سیاس‌گزاری در گام‌های بعدی، نیازمند شکرپژوهی ادبی، تاریخی، جامعه‌شناسی، سیاسی، و تعمیم و کاربرد شکر در روابط بین‌الملل است. صلح‌پژوهی معاصر، به‌شدت نیازمند شکرپژوهی است. شکرپژوهی مؤثر نیز، با همان شدت، نیازمند نهادسازی است. جهان جنگ‌زده و طبیعت خشونت‌دیده‌ی معاصر، با تشنگی بسیار، در جست‌وجوی الگوهای انسانی شاکری است. رفع این نیازها، همت عالی جمعی کثیر از صاحب‌نظران را می‌طلبد؛ که به‌کمک هم، راه را ادامه دهیم. کتاب حاضر، هنوز از نتایج سحر است؛ و طول روز را، راهی سترگ در پیش داریم. امید است، این اثر، باب و درگاه جدیدی را برای تحقیقات بین‌رشته‌ای علوم انسانی و اجتماعی، به‌ویژه در تدریس الهیات صلح در دانش‌گاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی و حوزه‌های علمیه بگشاید.

از استادان مرکز پژوهشی مجد، محمد برکت که هم با مقاله و هم با پی‌گیری مثال‌زدنی، کار سامان‌بخشی این مجلد را به سرانجام آورد؛ از محمدهادی طلعتی که هم اثر تألیفی تحقیقی و هم ترجمه‌های عالی به مجموعه افزود؛ از مرتضی رحیمی‌نژاد که علاوه بر مقاله‌ی عالی

خود، چند مقاله‌ی دیگر را با نکته‌سنجی‌های علمی بی‌نظیر، آماده‌ی انتشار ساخت؛ از سیدشهاب‌الدین مصباحی که تقاضای جمع‌را بسیار بیش‌تر از ظرفیت کتاب، با احاطه‌ی علمی اجابت کرد؛ از هم‌کاران اداری، کتاب‌پردازی و هنری مرکزِ مَجِد، حمید اسکندری، عبدالرسول کهن‌زاده، و محمدحسین طلعتی که برای ویراستاری و طرحِ جلد، وقت و سلیقه‌ی بسیاری گذاشتند؛ از استادانِ مدعو، عبدالرسول هادیان شیرازی، مظفر حَسَن‌وَنَد، بابک شمشیری، علی‌نقی سلطانی، محمدجواد قائدشرف، عبدالحسین‌نوشین، سیدبهرروز بهزادی که ترجمه‌ی فاخرِ چندین مقاله را انجام داد؛ از جمشید چوکسی، که کتاب‌های تطبیقی بسیاری را با تسلط بر ادبیاتِ زرتشتی همراهی کرده؛ از مدیرِ دانش‌پرور و صلح‌گسترِ انتشاراتِ نگاه‌معاصر که با سرعتِ حیرت‌آوری در چاپ کتاب‌های علمی، بهترین سپاس از دانش را به‌کار می‌آورد؛ از همه‌ی این یارانِ اندیشه و صلح، سپاس و امتنان ویژه دارم.

و خداوندا، ای برترین شاکر و مشکور، چه شکر گویم‌ات ای کارساز بنده‌نواز؟!

پیش‌گفتار

سپاس‌گزاری: جاودان‌خرد اندیشه‌های اخلاقی^۱

محمدجعفر امیر محلاتی

«وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ؛

شاگرد، نفس خویش را سپاس‌گزار است»^۲

نعمتی که سپاس نیافته،

هم‌چون گناهی است که بخشوده نگردیده.^۳

امام جواد (ع)

ز تو، تا یوم زنده، دارم سپاس

که من، با خرد، یارم و؛ حق‌شناس

به یزدان! هر آن کس که شد ناسپاس

به دل‌ش اندر آید ز هرسو هراس

فردوسی

برای فرد ناسپاس،

هیچ راه جبران و کفاره‌ای وجود ندارد.

پانچاتانترا (اندرزهای کهن هندو)^۴

۱- این مقاله، به‌طور خلاصه‌تر، در گاه‌نامه‌ی حیات معنوی (سال ۳، شماره ۸، تابستان ۱۴۰۰)، منتشر شده است.

۲- لقمان (۳۱): ۱۲.

۳- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۵۲، ح ۸۴.

۴- برگرفته از مقاله‌ی محمدجواد قائدشرف، شکرگزاری و قدردانی در آیین هندو، منتشره در کتاب حاضر.

قدردانی، موجب سلامت می‌شود؛

زیرا افرادی که

قدر زمان حال را بدانند و آن را مغتنم بشمارند، احساسات منفی هم‌چون حسادت، کینه، پشیمانی و اندوه را، از خود برانند؛ درمقابل استرس، مقاومت بیش‌تری نشان دهند؛ و روابط اجتماعی‌شان را تقویت؛ و ارزش خویش را بیش‌تر بدانند.

رابرت امونزا

شکر، مهم‌ترین حافظه‌ی اخلاقی انسان است.

گئورگ زیمل

ناسپاسی، ریشه‌ی ردایل است.

امانوئل کانت

ای باد زمستانی، بوز

که نامهربان‌تر از ناسپاسی انسان نیستی!

ویلیام شکسپیر

اخلاق اجتماعی، به معنی اخلاق در حوزه‌ی روابط عمومی، بین‌الادیان و بین‌الملل، اولویت‌ها، مؤلفه‌ها، لایه‌ها و شاخصه‌های متعددی دارد. علاوه‌براین، فرهنگ‌های گوناگون، بر عوامل فوق، تأثیرات خاصی گذاشته؛ و ما، با که‌کشان‌ی از ارزش‌ها، مکتب‌ها و نظام‌های هنجاری درراستای تمدن‌ها و تعامل بین آن‌ها مواجه‌ایم. باین‌همه، برخی از ارزش‌های اخلاقی، به‌سبب شالودگی و اساسی‌بودن آن‌ها در همه‌ی تمدن‌ها، ریشه و اهمیت داشته؛ و حکیم جاودان خردهای انسانی دارند که در تونل زمان، هرگز تاریخ‌مصرف نداشته؛ و کاربردشان در

۱- از «Robert Emmons»، به‌نقل از کری د. میلر (Kori D. Miller)، مزایای شکرگزاری/قدردانی، براساس یافته‌های علمی، برگرفته از کتاب حاضر.

هیچ جغرافیایی به سر نمی‌آید. شکر و شاکری، از این دسته ارزش‌های اساسی است؛ و هر جامعه‌ای، برای قوام و اعتلای خود، ناچار است آن‌ها را جدی بگیرد و موردِ دقتِ علمی و اجرایی قرار دهد؛ حتی اگر چندصباحی آن‌ها را به حاشیه رانده باشد.

شکر و شاکری، در جهانِ قُدَمایی و پیشامدرن، به‌ویژه در ادیانِ ابراهیمی، از جای‌گاه بسیار مهمی در نظامِ اخلاقیِ اجتماعی برخوردار بوده؛ اما در دورانِ مدرن، به‌تدریج به حاشیه رانده شده؛ و حدّاکثر، اهمّیتِ ثانوی یا انضمامی نسبت‌به سایرِ فضایل یافته است؛ و حال آن‌که سپاس‌گزاری، از پایه‌ها و مَقوماتِ صلح‌پای‌دار است.

در جهانی که در چنبره‌ی جنگ‌ها، خشونت‌ها، تنهایی‌ها، آوارگی‌های میلیونی، تخریبِ بی‌مهابای طبیعت، و همه‌گیری اسیر است؛ به‌نظر نمی‌رسد که تمدن‌ها در به‌حاشیه‌راندنِ شکر و شاکری، راه درستی رفته باشند. همان‌طور که تکانه‌های فلسفیِ دو جنگِ اوّل و دوّم جهانی، موجب شد که فلاسفه‌ی سیاسی در غرب، بعد از ۲۵۰۰ سالگی که از دورانِ ارسطویی گذشته، دوستی‌پژوهی را احیا کردند؛ شاید وقتِ آن باشد که شکرپژوهی نیز، در جهتِ احیای این فضیلت، و نجاتِ طبیعت و انسان، آغاز شود.

برای یک محققِ شکرپژوه مسلمان، نخستین پرسش این است که سپاس‌گزاری، در دست‌گاهِ ارزشیِ دنیای پسامدرن، چه اهمّیتی دارد؛ و جهان‌بینیِ اسلامی و توحیدی، چه نسخه‌ای برای بزرگ‌داشتِ این فضیلت، به‌دست می‌دهد؟ پاسخ به این سؤال، در گامِ نخست، ما را متوجّه تاریخِ جهانیِ تحوّلِ اندیشه‌ی شکر؛ و در گام‌های بعدی، متوجّه فلسفه‌ی شکر، از منظرِ هستی‌شناسی، نهادشناسی، تاریخ‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مردم‌شناسی، دین‌پژوهیِ تطبیقی، فرهنگ‌شناسی، و درنهایت، آخرت‌شناسی می‌کند. این سؤال مطرح است که قرآن‌مجید، احادیث و روایات و سیره‌ی انبیاء علیهم‌السلام و ائمه و اولیاء، همراه با علوم دیگر، چگونه ما را در درکِ جای‌گاهِ فضیلتِ شکر در زندگیِ پسامدرن، کمک می‌کند؟

منظر کلان تاریخ تحوّل اندیشه‌ی شاکری در غرب

ادوارد هارفام، در مقاله‌ی «سپاس‌گزاری، در تاریخ اندیشه‌های فلسفی» - که به‌عنوان فصلی در کتاب حاضر آمده معتقد است که اندیشه‌ی سپاس، از زمان سِنِکا فیلسوف رواقی قرن اول م تا میانه‌ی قرن ۱۸ م - که آدام اسمیت، کتاب «نظریه‌ی احساسات اخلاقی» را نوشت تغییر مهمی نیافت.^۱ نظریه‌ی شاکری سِنِکا، سپاس را، فضیلتی نیت‌محور؛ و آن را، پاسخی به دریافت یک خدمت یا یک نعمت، به‌صورت هدیه، می‌شناساند. بنابراین، فرمول اصلی سِنِکا، دوگانه‌ی هدیه‌سپاس است. وی معتقد است که همان‌طور که سپاس، درقبال هدیه‌ی بلاعوض است؛ خود سپاس‌گزاری، اگر به‌صورت وظیفه درآید، فاقد ارزش می‌شود؛ بل که هم هدیه و هم سپاس، باید اختیاری باشند. وی هم‌چنین معتقد است که هدیه و سپاس، هردو، هم ارزشی ذاتی دارند؛ و هم ارزشی ثانوی و اِزْزاری. سِنِکا، معتقد است که سپاس‌گزاری، رشته‌ی پیوند جامعه را محکم می‌کند؛ و خود سپاس‌گزار نیز، ارتقای انسانی پیدا می‌کند.

از نکات جالب مطروحه توسط سِنِکا - که هدیه و سپاس را، بُن‌مایه‌ی معادله‌ی امنیت می‌شناساند این سخن است: «اگر خیرخواهی متقابل انسانی نباشد؛ حس امنیت، چگونه قابل حصول است؟».

هارفام، باور دارد که مشکل اصلی نظریه‌ی سپاس سِنِکا، فقدان انسجام منطقی در معادلات وی است؛ و این که نظریه‌ی وی، جایی برای سپاس‌گزاری از خداوند ندارد.

به‌نظر هارفام، مسیحیت قرون میانه، با تمرکز شدید روی روابط انسان‌خدا، سپاس‌گزاری و نظریات آن را، به مباحث الاهیاتی منتقل کرد؛ و در حوزه‌ی روابط اجتماعی سخنی بر نظریه‌ی سِنِکا نیفزود. به‌گفته‌ی هارفام، گرچه از قرون ۱۶ و ۱۷ م - که اروپا، دچار انقلاب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شد فیلسوفانی از قبیل هابز یا پافندرف، بحث سپاس‌گزاری را مورد توجه

۱- نگاه کنید به: مقاله‌ی دوم از بخش اول کتاب حاضر.

نسبی قرار دادند؛ اما تا ظهور کتاب «احساس اخلاقی» آدام اسمیت - که پدر انقلاب فلسفه‌ی اقتصادی جهان مدرن به حساب می‌آید - اندیشه‌ی سینکا، تحوّل جدی نیافت.

هارفام تصریح دارد که اسمیت - که مثل خیلی از فیلسوفان هم عصر خود، به جای عقلانیت، احساسات را منشأ اخلاق در انسان قلمداد کرد - در نظریه‌ی سپاس‌گزاری، نوعی انقلاب ایجاد کرد؛ و آن را، از حیطة‌ی روابط شخصی، به روابط عمومی کشاند. به نظر اسمیت، برخی از وضعیت‌های اجتماعی هستند که موجب تقویت حس سپاس‌گزاری در آحاد مردمان می‌شوند. نظریه‌ی محوری سیاسی در نگاه اسمیت، بر دل‌سوزی اخلاقی نسبت به هم‌نوع (Moral Sympathy)، استوار است.

در یک نگاه کلان‌تمدنی و تاریخی، نظریات شکر، در فرهنگ مغرب‌زمین، از روابط فردی در سطح افقی انسان‌انسان، و بر مبنای نیات افراد، شروع شده؛ و با اوج‌گیری فرهنگ مسیحی، به ساحت روابط عمودی انسان‌خدا، منتقل می‌شود؛ و سپس، از قرون ۱۶ تا ۱۸ م، از طریق فلسفه‌ی سیاسی و اقتصادی، مجدداً به ساحت افقی روابط انسان‌انسان، ولی این بار به‌عنوان یک پارادایم اجتماعی، بازمی‌گردد.

اندیشه‌ی شاکری در فرهنگ‌های شرق آسیا

همان‌گونه که نویسنده‌ی ژاپنی، تاکاشی نایتو، در مقاله‌ای در کتاب حاضر آورده؛ شاید در ساده‌ترین وجه، ماتریس اخلاقی شکر، و صفت سپاس‌گزاری در فرهنگ‌های شرق دور، اعم از کنفوسیوسی، هندو و بودایی را بشود در تعامل بین قدردانی، رفتار عرفی جامعه‌پسند، به‌زیستی، فضایل شخصی؛ و همه را در چهارچوب ارزش‌های ساختار هر می‌جامعه، خلاصه کرد. در چین، مفهوم پائو (pao)، یعنی ارزش تلاش جبرانی در روابط اجتماعی، و شو (shu) یا سپاس‌گزاری، در معادله‌ای تنگاتنگ قرار دارند. به‌گفته‌ی شیالینگ لیو، در مقاله‌ای در کتاب

حاضر، در فرهنگِ چینی، تأکیدِ بسیاری بر مقابله‌به‌مثل مثبت از طریقِ شکرِ عملی - اگرچه به‌صورتِ نمادین- وجود دارد. برای مثال، همان‌طور که نوشین، در مقاله‌ی خود آورده؛ پاشویی والدین، به‌مثابه‌ی زبانِ شکرِ عملی از زحماتِ والدین، در فرهنگِ چینی رواج دارد.

در فرهنگِ هندو، به‌نقل از قائدشرف، واژه‌ی کرتاجنا در زبانِ سانسکریت، به‌معنی شناختِ لطفِ رسیده از جانبِ دیگری، بِن‌مایه‌ی سپاس‌گزاری را تعریف می‌کند. در این‌صورت، سپاس‌گزاری، از ساحتِ احساسات عبور می‌کند؛ و به شناخت و معرفت، پیوند می‌یابد. در یکی از متونِ باستانیِ فرهنگِ هندو به‌نامِ پانچاتانترا (اندرزهای کهنِ هندو)، آمده است که «برای فرد ناسپاس، هیچ راهِ جبران و کفاره‌ای وجود ندارد». در این‌صورت، ناسپاسی، هم‌چون بدترین ردائیل تعریف می‌شود؛ که هم‌وزنِ «کفر» قرآنی، در فرهنگِ اسلامی است.

به‌گفته‌ی قائدشرف، در مقاله‌ای در کتابِ حاضر، در فرهنگِ بودایی - که برگرفته از تمدنِ هندو است- سلوکِ سالمِ اخلاقی، تحتِ اصطلاحِ سیله (sila) - که اصطلاحی بودایی است- اساس راه بودا را شکل می‌دهد. طبقِ این اصل، «در این جهان، قدردانی و سپاس‌گزاری از دیگران، اساسِ افرادِ بافضیلت است؛ و فردِ شکرگزار، نه‌تنها در زندگی کنونی، بل که در زندگی آسمانی پس از مرگ نیز، از خوش‌بختی برخوردار خواهد شد».

در مجموع، به‌نظر می‌رسد وجهِ شاخصِ سپاس‌گزاری در هیئتِ نظامِ ارزشیِ شرقیِ دور، از بالاترین جای‌گاهِ هنجاری برخوردار بوده؛ و افزون‌براین، با کارکرد و دریافتی‌های هر شخص در هرم روابطِ اجتماعی، تناسب دارد. در این‌صورت، شیوه‌ی سپاس از والدین یا آموزگار یا حاکمان، تنوعِ چشم‌گیری می‌یابد.

شکر، از منظر جهان‌بینی

از گئورگ زیمل (Georg Simmel) -جامعه‌شناس آلمانی قرن ۱۹ م- جمله‌ای نقل شده که به شکر، از منظر جهان‌بینی می‌نگرد. وی می‌گوید: «سپاس‌گزاری، حافظه‌ی اخلاقی انسان است». معنای سخن زیمل این است که اگر برای هر انسانی، یک حافظه‌ی اخلاقی فرض کنیم -که خاطرات مسائل اخلاقی زندگی را، در آن، بایگانی می‌کند؛ عالی‌ترین بخش این حافظه، ما را در وجود مثبت و منفی، به‌یاد سپاس‌گزاری‌ها یا فقدان آن می‌اندازد. از سپاس‌گزاری، بهترین خاطره؛ و از ناسپاسی، بدترین خاطرات زندگی را داریم.

جمله‌ی فوق، نگارنده را به‌یاد سخن عالی جانانان ساکس (Jonathan Sachs) -متأله معاصر- می‌اندازد که گفته است «مذهب، عبارت است از سازکاری برای اخلاقی کردن عشق». این یعنی مذهب، اندیشه‌ای است که از طریق باورها و مناسک، سعی می‌کند محبت را تحت یک نظام اجرایی درآورد. حال، می‌توان پرسید اگر شکرگزاری، مهم‌ترین حافظه‌ی تاریخ اخلاقی انسان است؛ چگونه می‌توان از طریق توسعه‌ی نهادها، این حافظه را تقویت کرد؟ به‌دیگریان، و ضمن توجه به اهمیت و ادای فضیلت شاکری در اندیشه‌ی اخلاق اسلامی؛ و نیز، در جاودان‌خرد انسانی؛ و ضمن توجه به این‌که ارزش‌ها، اگر از سوی نهادها، حمایت و تبلیغ و تشویق نشوند، اثرگذاری قابل‌توجهی بر اجتماعات و آحاد انسانی ندارند؛ کدام نهاد می‌تواند فضیلت سپاس‌گزاری در جامعه را، ارتقا و تعمیم دهد؟

هستی‌شناسی شکر

در پاسخ به سؤال فوق، به‌نظر می‌رسد که مؤثرترین نهادها، جشن‌واره‌هایی است که بیش‌تر، برای بزرگ‌داشت و سپاس‌گزاری برگزار می‌شوند؛ و با اعطای هدایا هم‌راه‌اند. برای نمونه، جشن‌واره‌ی معروف پارسی‌مهرگان، در ریشه‌ی نهادی خود، سپاس‌گزاری از طبیعت، و بالاتر از آن، از خداوند،

برای حاصل خیزی زمین است؛ که در فصل برداشت محصول، صورت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد هم در منابع اسلامی، و هم در فرهنگ‌های دیگر، از جمله فرهنگ مسیحی، فلسفه‌ی هدیه‌دادن، زیربنای هستی‌شناسی مفاهیم و نهادهای شکر به حساب می‌آید. مفسران قرآنی، تأکید می‌ورزند که شکر، در قیاس با حمد، به دریافتِ نعمت انحصار دارد؛ در حالی که حمد، مفهومی عام‌تر است. این مفسران، معتقدند که سپاس‌گزاری، واکنشی است به هدیه یا نعمتی که شخص، خارج از یک معادله‌ی اقتصادی بده‌بستان، دریافت کرده؛ که از آن، به‌عنوان هدیه، و نه مابه‌ازای خدمت یا دهشی، صورت گرفته است. بنابراین، فلسفه‌ی اهدا، با ریشه‌های مفهومی و نهادی سپاس‌گزاری، پیوند دارد. هم‌چنان که در ظهور شکر نیز، تجدید می‌شود؛ چنان که بسیاری اوقات، شکرگزاری، به‌طور نمادین، به‌صورت اعطای هدایا، صورت می‌گیرد.

معناشناسی، روان‌شناسی و دامنه‌ی کاربردی شکر

بحث پیرامون گستره‌ی معناشناسی شکر در ادیان گوناگون، بسیار ریشه دارد. در مقاله‌ی «رشد و پرورش فضیلت شکرگزاری/قدردانی: مبانی نظری و مباحث بین‌فرهنگی»،^۱ آمده است که شکر، «شامل حس مثبت نسبت به مهرورزی؛ و نیز، آرزوی جبران آن است». هم‌چنین، آمده است که «بر سر این نکته توافق نیست که قدردانی، صرفاً یک حس خشنودی از دیگری است؛ یا شامل میل به پاسخ‌گویی نیز می‌شود». هم‌چنان، این سؤال‌ها مطرح می‌شود: «آیا شکر، به‌طور تبعیض‌آمیز، متوجه فردی خاص است؛ یا روی‌گردی عام دارد؟»؛ «آیا شکر، نسبت به منشأ هوش‌مند، اعم از الاهی یا انسانی است؛ یا این که حس قدردانی مثلاً از باران نیز، از همان کیفیات برخوردار است؟»

۱- الیسا مرسان وارگاس، کتلین پولکر، جاناناتان توج، رشد و پرورش فضیلت شکرگزاری/قدردانی: مبانی نظری و بین‌فرهنگی، مجله تحقیقات بین‌فرهنگی، ش ۲۰۱۸، ۵۲، م.

برخی نویسندگان، شکرگزاری را، از لحاظ کارکرد، مقوی روابط؛ و فضیلتی موجب تقویت دوستی، اتحاد، هم‌دلی و هم‌بستگی اجتماعی می‌شناسانند.

شکر و شاکری، هم‌چنین در مطالعات روان‌شناسی و حوزه‌ی سلامت، اهمیت پیدا کرده؛ و به‌طور فزاینده، مقاله‌هایی پیرامون آن نوشته می‌شود. برای مثال، رابرت امونز (Robert Emmons)، از متخصصان مکتب روان‌شناسی مثبت، معتقد است: قدردانی، موجب سلامت می‌شود؛ زیرا افراد، قدر زمان حال را بدانند و آن را مغتنم بشمارند؛ احساسات منفی هم‌چون حسادت، کینه، پشیمانی و اندوه را، از خود برانند؛ در مقابل استرس، مقاومت بیش‌تری نشان دهند؛ و روابط اجتماعی‌شان را، تقویت؛ و ارزش خویش را، بیش‌تر بدانند.^۱

حسین حسینی، به‌نقل از امونز می‌گوید: «سپاس‌گزاری، هم از نظر اجتماعی و هم از نظر روان‌شناختی و هم حتی از نظر زیست‌شناختی، اهمیت دارد. درباره‌ی اهمیت اجتماعی آن باید گفت که ما انسان‌ها، در جامعه زندگی می‌کنیم؛ و جامعه، محصول روابط انسانی است. سپاس‌گزاری، باعث استحکام و استواری این روابط انسانی می‌شود؛ و پیوندهای اجتماعی را محکم و استوار می‌کند».^۲

«سپاس‌گزاری، صرفاً یک احساس و عاطفه نیست؛ بل که عنصر عقلانی نیرومندی به‌نام درک و فهم نیز، در آن هست. من در حالت سپاس‌گزاری، باید به لطفی که دیگران در حق ام کرده‌اند، توجه کنم؛ بدانم او عمداً این کار را انجام داده است و احیاناً ممکن است به زحمت هم افتاده باشد. همه‌ی این‌ها، نیازمند توجه، تفکر و فهم است. بی‌سبب نیست که در بسیاری از زبان‌ها، واژه‌ی سپاس‌گزاری، با واژه‌ی تفکر، ریشه‌ی لغوی هم‌سانی دارد».^۳

۱- کُری د. میلر (Kori D. Miller)، مزایای شکرگزاری/قدردانی، براساس یافته‌های علمی.

۲- حسین حسینی، موهبت‌های روان‌شناختی، تهران: نگاه‌معاصر، ۱۴۰۰، ص ۱۱۰.

۳- همان، ص ۱۰۸.